



بخش ۲۲ - قاعده در حکمت وجود اولیا

کمالش در وجودِ خاتم آمد	نبوت را ظهور از آدم آمد	۱
چو نقطه در جهان دَوّری دگر کرد	ولایت بود باقی تا سفر کرد	۲
بدو گردد تمامی دَوّر عالم	ظهور کلّ او باشد به خاتم	۳
که او کلّ است و ایشان همچو جزوند	وجود اولیا او را چو عضوند	۴
از او با ظاهر آید رحمتِ عامّ	چو او از خواجه یابد نسبتِ تامّ	۵
خلیفه گردد از اولادِ آدم	شود او مقتدای هر دو عالم	۶

بخش ۲۳ - تمثیل در بیان سیر مراتب نبوت و ولایت

تورا صبح و طلوع و استوا شد	چو نور آفتاب از شب جدا شد	۱
زوال و عصر و مغرب شد پدیدار	دگر باره ز دَوّر چرخِ دَوّار	۲
گه از موسی پدید و گه ز آدم	بود نور نبیّ خورشید اعظم	۳
مراتب را یکایک باز دانی	اگر تاریخ عالم را بخوانی	۴
که آن معراج دین را پایه‌ای شد	ز خور هر دم ظهور سایه‌ای شد	۵
که از هر ظلّ و ظلمت مصطفی بود	زمانِ خواجه وقتِ استوا بود	۶
ندارد سایه پیش و پس، چپ و راست	به خطّ استوا، بر قامتِ راست	۷
به امر «فَاسْتَقِمَّ» می داشت قامت	چو کرد او بر صراطِ حقّ اقامت	۸
زهی نورِ خدا، ظلّ الهی	نبودش سایه کان دارد سیاهی	۹
ازیرا در میان نور غرق است	ورا قبله میان غرب و شرق است	۱۰
به زیر پای او شد سایه پنهان	به دست او چو شیطان شد مسلمان	۱۱
وجود خاکیان از (در) سایه اوست	مراتب جمله زیر پایه اوست	۱۲
مشارق با مغارب شد برابر	ز نورش شد ولایت سایه گستر	۱۳
در آخر شد یکی دیگر مقابل	ز هر سایه که اوّل گشت حاصل	۱۴
رسولی را مقابل در نبوت	کنون هر عالمی باشد ز امت	۱۵
بُود از هر ولیّ ناچار افضل	نبیّ چون در نبوت بود اکمل	۱۶
بر اوّل نقطه هم ختم آمد آخر	ولایت شد به خاتم جمله ظاهر	۱۷
جماد و جانور یابد از او جان	از او عالم شود پر امن و ایمان	۱۸
شود عدل حقیقی جمله ظاهر	نماند در جهان یک نفس کافر	۱۹
در او پیدا نماید وجه مطلق	بود از سِرّ وحدت واقف حقّ	۲۰

۱- وبسایت گنجور:

[شیخ محمود شبستری «گلشن راز» بخش ۲۲ و ۲۳](#)

۲- کتاب گلشن راز، اثر: شیخ محمود شبستری با مقدمه و تصحیح و توضیحات به اهتمام دکتر صمد موحد

۳- کتاب شرح گلشن راز، اثر: الهی اردبیلی - مقدمه و تصحیح و تعلیقات: محمدرضا بزرگر خالقی، عفت کرباسی

۴- کتاب شرح گلشن راز (مفاتیح الاعجاز) اثر: محمد لاهیجی گیلانی، پیش گفتار و ویرایش: دکتر علیقلی محمودی بختیاری

۵- وبسایت واژه یاب: <https://vajehyab.com>

خانقاه خاکسار جلالی مطهری
Khaksar Khanqah

تنظیم و ارائه: وبسایت خانقاه خاکسار مطهریه

شرح بیت شماره هشت از منظر ۳ منبع:

به امر «فَاسْتَقِمَّ» می داشت قامت

چو کرد او بر صراط حق اقامت

*

این بیت اشاره به آیه کریمه «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ» می باشد. چون حضرت محمد (ص) همیشه بر طریق اعتدال اقامت داشت و پیوسته مقیم مقام فرق بعد الجمع بود (در رابطه با فرق، جمع، فرق بعد الجمع و جمع الجمع در بیت 21 توضیح داده شده است) در این مرتبه شب و روز وحدت و کثرت با هم برابرند یعنی در شهود او کثرت و وحدت متلازم هستند به عبارت دیگر در شهود او من حیث الذات واحد و من حیث الصفات متکثر است و این مقام حتی از مقام فرق بعد الجمع هم بالاتر و مقام جمع الجمع است و باید دانست مقام جمع بلا فرق، کفر و زندقه است و اگر کسی در مسیر الی الله از مقام فرق به مقام جمع که مرتبه فناست برسد و با ارشاد عارف کامل از آن مرحله عبور نکند و در مقام فنا باقی بماند غرق می شود. این افراد نه تنها خودشان غرق می شوند، اگر کسان دیگر نیز از آئینها تبعیت کنند، غرق می شوند و این افراد مقتدایی را شایسته نیستند. مقام پیغمبر مقام فرق بعدالجمع و حتی بالاتر از آن مقام جمع مع الجمع است بنابر این او به صراط مستقیم حق اقامت دارد و به امر الهی و به مصداق آیه کریمه قامت خود را آراسته می داشت یعنی ظاهر و باطن او هر دو در اعتدال و وحدت و کثرت او هر دو متلازم همدیگر بودند بنابر این شایستگی مقتدایی را به حد اعلاء دارد.

* منبع: گنجور- یادداشتها

به امر فاستقم می داشت قامت

چو کرد او بر صراط حق اقامت

۵

۳۸۱

یعنی چون اقامت سید انبیا بر صراط المستقیم اعتدال اخلاق و اوصاف و اعمال ظاهری و باطنی بود که به مثابه خط استواست، به امر «فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» دائم قامت خود را یعنی ظاهر خود را راست می داشت و چنانچه در باطن و غیب آن حضرت انحراف و اعوجاج نداشت، در ظاهر نیز مظنه آن نگذاشت به خلاف مجذوبان و بدلا؛ بلکه پیوسته مقیم مقام فرق بعدالجمع بود که شب و روز کثرت و وحدت برابر است آنجا؛ نه کثرت غالب است تا ظلمت احتجاب پیش آید و نه وحدت او را در می رباید تا مستلزم عدم امتیاز نیک و بد باشد و به اباحت انجامد.

(۱۵۸ ب)

* منبع: شرح گلشن راز. الهی اردبیلی. محمدرضا بزرگر. خالقی. عفت کرباسی-۲

۳۸۱ - «چو کرد او بر صراط حق اقامت به امر فاستقم می داشت قامت»

یعنی حضرت رسالت ختم محمدی - علیه السلام - چون همواره بر صراط المستقیم اعتدال اخلاق و اوصاف و اعمال ظاهری و باطنی که بمثابة خط استواست، اقامت داشت، و پیوسته مقیم مقام فرق بعد الجمع بود که مرتبه ظهور وحدانیت در فردانیت است و شب و روز کثرت و وحدت آنجا برابر است، چه کثرت (ب ۱۸۰) غالب بر وحدت نیست تا موجب ظلمت احتجاج گردد و وحدت نیز غالب بر کثرت نیست که مستلزم عدم امتیاز نیک و بد باشد و موجب اباحت شود که «الجمع بلا فرق زندقه» بلکه کثرت و وحدت را متلازمان

۲۷۵

مشاهده می نماید؛ زیرا که در شهود او یک چیز است که من حیث الذات، واحد است و من حیث الاسماء و الصفات، متکثر و این مقام جمع الجمع است که مخصوص حضرت ختمی محمدی و تابعان حقیقی ایشان است، «به امر فاستقم می داشت قامت» اشارت است به آیت کریمه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ .» یعنی چون اقامت آن حضرت بر صراط المستقیم بود، به امر فاستقم، دایم قامت خود را، یعنی ظاهر خود را راست می داشت و چنانچه در باطن و غیب آن حضرت انحراف و اعوجاج نبود، در ظاهر نیز نبود. و این غایت درجات ارتفاع ارباب کمال است که ظاهر و باطن در طریق استقامت قائم دارند. و^{۵۶۳} می تواند بود که شخصی بر صراط حق گذر داشته باشد و به امر فاستقم ظاهراً قائم نباشد؛ همچو بدلا و مجاذیب که محبوبان حقند و صاحب مرتبه جمعند و در مقام فرق بعد الجمع و جمع الجمع قائم نمی توانند بود؛ فلهدا ایشان مقتدایی را چنانچه گذشت، نمی شایند که «لا- یقتدی بهم ولا ینکر علیهم.» شعر:

زانکه آن مجذوب مطلق ابتر است صورت او زهر و معنی شکر است
اوز مستی گشت از خود بی خبر دیگران را چون شود او راهبر
چون مقرر است که در خط استوا، اشخاص مستقیم القامة را در هنگام استوا سایه
نیست، می فرماید که: (الف ۱۸۱)

* منبع: مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز - محمد لاهیجی - (مقدمه و ... برزگر خالقی و عفت کرباسی) - ۲